

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن آلمان

ساقه صبر

آخر خمید قامتِ سروم ، کمان کمان
تیرِ جفا خلید به قلبم نهان نهان
خونِ جگر رسید ، به چشمانم ای دریغ
در دیده سیل گشت و به هر سو روان روان
ما تمسراست ، کلبهٔ عشرتسرای من
هر آشنا به ساقهٔ صبرم ، سوهان سوهان
خاکسترست اخگرِ عیش و نشاطِ من
تا شعله های بُغض و عداوتِ زبان زبان
دیدم که طعنه داد مرا ، آنکه از برم
صاحب شدست ، منصب و نام و نشان نشان
با اره ، اره کرده بسی ، ریشه ریشه ام
هر ناکسی که گشت ، ز خوانم جوان جوان
دامی نهاد مدعی ، با دانهٔ هوس
نیشِ زبان ، به سینهٔ تنگم ، خلان خلان
با سیکه های باطل و قلابیِ غرور
شرم و حیا و عزت و حرمت ، خران خران
حالا که قطع گشته ز من شاخه های شوق
خونابه دارم از دل زارم چکان چکان
وا حسرتا ، شکست ، مرا خیمهٔ امید
فصلِ بهارِ عمرِ عزیزم ، خزان خزان
بر حنجرست ، خنجرِ بیدادِ بستگان
زنجیرِ ظلم ، بسته به پام کشان کشان
جز درد و رنج و غصه و غم نیست ، زندگی
هرچند به اوجِ عزت و ثروت ، پران پران

«نعمت» اگرچه مزه شهرت چشیدنست
بهتر از و گریز و ، به سرعت ، دوان دوان